





میشود و گاهی با معلم کینه و عناد می‌پروراند. در صورت سرکشی و قانون شکنی این سزا داده میشود اما لازم است که بعد از وقوع جرم مدت زیاد نگذرد و ملزم صریحاً بداند که برای چه لت میخورم بلکه اول قابل کرده شود. زمان موردیت این سزا اوسطاً از شش الی دوازده سال است. درین آوان هم برای اصلاح عادات قبیحه سزای تدریجی مفید است اگر برای اصرار بجرایم سزای مدنی ناگزیر شود آله سزا سبک و نرم باشد بحصّه حساس جسم زده نشود. بدست چپ از یک الی ده چوب بیشتر استعمال نشود و اگر مجرم دست نکشد بواسطه سرجماعت دستش دراز گرفته شود. اطفال نحیف و ضعیف معذور داشته شوند برای شان دیگر اقسام بپردازید زیرا ملامت و محرومیت و معطلی بعد مکتب اسرغ الاثر میباشد. برای طلبا فهمایش حقیقت سزا ضروریست که چون دست در میان آتش میسوزد ارتکاب جرم هم سوزش می آرد مثلیکه زهر انسان را هلاک میسازد یا اغذیه مضر متواتر استعمال شده مرض الموت میگردد گناه کبیره هم به نسبت خود عذاب نازل میکند.

کی نکو کردی و کی کردی تو شر

که ندیری لایقش در پی اثر

گر مراقب باشی و گیری رسن

حاجتت ناید بعقبی آمدن

اخراج از مکتب بمنزله اعدام است. چون کسی که علاج ها بیسود گردد از نابردن عضو احتمال ضرر بدیگر اعضا رود یا حرکت تنیعه از او سرزده است که شمشیر او بمکتب موجب تحقیر و توحین معارف است طرد واجب میشود سر معلم یا مدیر مجلس مشورت با معلمان منوط کرده فیصله طرد را بوزارت معارف میفرستد و مجلس مأمورین حکم آخری اخراج صادر میکنند. حاجت این سزا هر بی پروائی نگه داشتن و سستی قواعد و مجهولیت مقاصد می افتد- لازم است که معلمان ضابط و ضوابط منضبط با نظر العین ظاهر و با هر ادب ظاهره مکاتب بنمایند. از طلبا همت و زحمت کشی متوقفت است که در تعلیم و بیفکندی احکام بنمایند و عیش آرام را بر خود حرام گردانند.

نازولی زوی نه لایق

او د سوزش نه نرسد مطب